

۸ - بیاناتی از مقام و اوصاف الهی و کشف سبحات اوهام

در صحیفه اصول و فروع حضرت نقطه است قوله الاعلی: "بدانکه ذات قدیم ظاهر آن نفس باطن اوست و کینونت آن نفس ذاتیه اوست و لم یزل بوده و وجودی از برای شیئی نبوده و حال هم بحالت ازل هست و وجود شیئی در رتبه او نیست و هر شیئی که اسم شیئیت به آن اطلاق شود سوای ذات الله خلق اوست ... بل نیست فی الحقیقه از برای ذات مقدس او وصفی سوای ذات او و صفاتی که اهل عصمت بیان نموده اند بنص کلام حضرت رضا لاجل مکنسه اوهام است و خداوند همیشه عالم بوده و معلومی نبوده با او و علم او ذات اوست و هرکس اراده علم او و کیفیت آن را نموده کافر است ... ولم یزل قادر و سمیع و بصیر بوده و مقدوری و مسموعی و مذکوری با او نبوده. عالم است بکلّ شیئی قبل وجودش ... و کلّ صفات ذکر وجود مشیت او است و کلّ اسماء اسم اراده است ... والان هم در رتبه اراده او کلّ معدوم صرفاند ... و بعد از وجود ممکنات وصف نفس خود را در امکان بامکان نمود."

و از حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است. قوله الاعلی: "غیب هوّیه و ذات احدیه مقدّس از بروز و ظهور و صعود و نزول و دخول و خروج بوده و متعالی است از وصف هر واصفی و ادراک هر مدرکی. لم یزل در ذات غیب خود بوده و هست و لا یزال بکینونت خود مستور از ابصار و انظار خواهد بود لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر چه میانه او و ممکنات نسبت و ربط و فصل و وصل و یا قرب و بعد و جهت و اشاره بهیچ وجه ممکن نه زیرا که جمیع من فی السموات والارض بکلمه امر او موجود شدند و باراده او که نفس مشیت است از عدم و نیستی بحت بات بعرضه شهود و هستی قدم گذاشتند. سبحان الله بلکه میانه ممکنات و کلمه او هم نسبت و ربطی نبوده و نخواهد بود و یحدّ رکم الله نفسه برین مطلب برهانی است واضح و کان الله و لم یکن معه شیئی دلیلی است لائح چنانچه جمیع انبیاء و اوصیاء و عرفا و حکماء بر عدم بلوغ آن جوهرالجواهر و بر عجز از عرفان و وصول آن حقیقه الحقائق مقرّ و مدّعن اند."